

# اشاره‌ای به نسب محمد بن یعقوب بن اخی خزّام

جلال شایق\*، پیمان میکائیلی\*\*

## مقدمه:

و فرسنامه مبارک بن زنگی (ریشار، ۱۳۷۹: ۷۱ و ۷۴) و نیز فرسنامه معروف محمد بن محمد به فارسی از این نویسنده نامدار ذکری به میان آورده و بر استفاده از کتاب او معترف‌اند (مهدوی، ۱۳۸۷: ۵۹). اهمیت این کتاب به قدری است که به سرعت در سرتاسر دنیای علمی آن روز منتشر شده و نسخ خطی ترجمه‌های آن به فارسی و ترکی را می‌توان در برخی کتابخانه‌های جهان یافت<sup>۲</sup> (Erk, 1962: 367).

این کتاب در ۳۰ باب شامل بیماری‌های اسب قبل و بعد از تولد بوده و از دندان‌های اسب و شناخت سن آن، پوست و رنگ‌های اسبان، نسل‌کشی اسبان، پرورش اسب، تربیت اسب مسابقه، عیوب اسب و بیماری‌های اسب بر حسب نواحی مختلف بدن بحث می‌شده است. علاوه بر آن این کتاب شامل بیماری‌های استر، شتر، گاو و گوسفند نیز می‌شود (370-385 Erk, 1962). اگرچه نویسنده، کتاب خود را با کتاب بزرگ طبیبی جالینوس مقایسه کرده است اما برخی، نوشته‌های او را تحت تأثیر تئومنستوس<sup>۳</sup> دامپزشک معروف دنیای باستان دانسته‌اند (سزگین، ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۱۹). البته دانسته‌های جدید دامپزشکی در کتاب وی اندک نیست.

## اختلاف در نسب ابن اخی خزّام:

در ذکر نسب ابن اخی خزّام نیز اختلافاتی وجود دارد. برخی او را محمد بن یعقوب بن اخی خزّام جبلی (تاجبخش، همانجا)

محمد بن یعقوب بن اخی خزّام (قرن ۳ هـ / ۹ م)، دامپزشک و امیر آخور معتضد عباسی است که به سبب تألیف کتاب الخیل و البیطره در تاریخ علم شهرت بسزایی دارد به طوری که بسیاری او را نخستین نویسنده کتاب در دامپزشکی و اسب‌شناسی دانسته‌اند (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۲۱۰-۲۱۱) از آن جمله سارتن او را صاحب نخستین کتاب عرب در اسب‌شناسی می‌داند (Sarton, 1950, v.1: 610) محمد بن یعقوب بن اخی خزّام پسر یعقوب و برادرزاده خزّام بن غالب میر آخور معروف معتصم عباسی است (تاجبخش، همان: ۲۱۰-۲۱۱). هم در ذکر نسب او و هم در ذکر نام کتاب او برخی اختلافات وجود دارد، چنان که برخی دو کتاب، یکی در اسب‌شناسی به نام الفروسیه و شیه الخیل و دیگری در دامپزشکی به نام الخیل و البیطره، به او نسبت می‌دهند (Brockelmann, 1943, v.1: 282) و برخی هر دو کتاب را یکی دانسته، به استناد رجوع به نسخه خطی کتابخانه وین نام کتاب او را کامل الصناعتین فی البیطره ذکر کرده‌اند که ناسخین بعدها به اشتباه این نام را بر کتاب ابن منذر<sup>۱</sup> معروف به ناصری نهاده‌اند (تاجبخش، همانجا). این کتاب منبع کتاب‌های دامپزشکی بعد از او شده است. کتب معروفی چون کامل الصناعتین البیطره و الزرطقة از ابن منذر و نیز کتاب فلاحه از ابو زکریا یحیی بن محمد بن احمد العوام به عربی (ابی بکر بن البدر، ۱۴۱۳: ۹۸ و ۱۵۲)

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر / Jalal\_shayeghi@yahoo.co.in

\*\* دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.

۱. ابن منذر، ابوبکر بن بدر، ملقب به بیطار ناصری (۷۴۱ ق / ۱۳۴۰ م)، سرپرست دامپزشکان ستورگاه ناصرالدین محمد بن منصور قلاوون، سلطان مملوک مصر. شهرت وی به مناسبت کتابی است در اسب‌شناسی که به پیشنهاد سلطان، درباره اسب نوشته و به او اهدا کرده است. عنوان این کتاب را خود ابن منذر، کشف الویل فی معرفة امراض الخیل نهاده، اما بعداً نام کامل الصناعتین البیطره و الزرطقة به خود گرفت و عموماً به نام کتاب ناصری شناخته می‌شود.
۲. نسخه‌ای خطی از ترجمه فارسی کتاب در لیدن و نسخه‌ای از ترجمه کتاب به ترکی عثمانی در کتابخانه فاتح ترکیه وجود دارد.
۳. دامپزشک رومی نیمه اول قرن ۴ میلادی که به احتمال قوی کتاب اوست که به قلم حنین بن اسحاق به عربی نقل شده است.



برخی ختبی (سزگین، همانجا) و برخی ختلی (ابی بکر بن البدر، همانجا) ذکر می‌کنند. در کتاب تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران به استناد برخی از نسخ خطی کتاب ابن‌المنذر و نیز فهرست فولگل از جلد دوم نسخه‌های خطی کتاب‌های عربی، فارسی و ترکی کتابخانهٔ وین نام او را محمد بن یعقوب بن‌اخی‌حزام جبلی دانسته و نتیجه‌گیری کرده‌اند که از اهالی جبل و ایرانی است (تاجبخش، همانجا). این استناد را می‌توان در نسخه‌ای از کتاب ابن‌منذر که در شبکهٔ اینترنت در دسترس است نیز مشاهده کرد.<sup>۴</sup> سرزمین جبل یا جبال دربرگیرندهٔ شهرهائی است میان آذربایجان و عراق عرب و خوزستان و فارس و بلاد دیلم که در محدودهٔ جغرافیایی ایران واقع شده است (دهخدا، ج ۵، ص ۷۵۰۳). این سرزمین را در مقابل عراق عرب، عراق عجم می‌نامند.

اما جبلی دانستن ابن‌اخی‌حزام با بررسی سایر منابع محل تردید است. فؤاد سزگین در اثر معروف خود، تاریخ التراث العربی، وی را محمد بن یعقوب ابن‌اخی‌حزام ختبی معرفی می‌کند (سزگین، همان). بروکلیمان با ذکر تاریخ ۲۷۹ تا ۲۸۹ به عنوان تاریخی که وی امیر آخور معتضد عباسی بوده، از وی به عنوان ختلی نام می‌برد (Brockelmann, 1943, v.1: 282). همین تأکید را ریتز در مورد او دارد (Ritter, 1934, v.4: 45-47). نهال ارک با جمع‌آوری نقل قول‌های مختلف وی را محمد بن یعقوب ابن‌اخی‌حزام ختلی معرفی می‌کند (367: Erk, 1962). در چاپ متن عربی کتاب کامل الصناعین البیطرة و الزرطقة ابن‌منذر که در سلسلهٔ انتشارات دانشگاه حلب و به تصحیح انتقادی عبدالرحمن ابریق انتشار یافته است، نام وی محمد بن یعقوب ابن‌اخی‌حزام ختلی معرفی گردیده است. این ادعا را مصحح با استناد به بررسی مقایسه‌ای ۱۳ نسخهٔ خطی مطرح کرده است (ابی بکر بن البدر، همان). بررسی نسخ خطی فارسی کتاب حقایق دیگری را روشن می‌سازد. فرانسویس ریشار در معرفی فرسنامهٔ فارسی قدیمی منسوب به مبارک بن زنگی، معروف به قییم نهواندی در مقاله‌ای با عنوان «فرسنامه‌ای فارسی مورخ ۵۵۵ هجری قمری» که هوشنگ اعلم آن را به فارسی ترجمه کرده است،

از منابع این فرسنامه به فرسنامه‌ای منسوب به امیر سعید محمد یعقوب الختلی، به عربی اشاره دارد (ریشار، همان). تشابه اسمی این نام با محمد بن یعقوب بن‌اخی‌حزام واضح است؛ نمی‌توان ادعا کرد که منظور نویسنده ابن‌اخی‌حزام نیست ضمن اینکه بر «ختلی بودن» او نیز تأکید دارد. از سایر اشارات که بر ختلی بودن ابن‌اخی‌حزام تأکید دارد، نامی از بیطاری ختلی در فرسنامه محمد بن محمد<sup>۵</sup> است که مؤلف این فرسنامه از وی به عنوان «واضع اسب‌نامه، محمد ختلی» یاد می‌کند (مهدوی، ۱۳۸۷: ۵۹). همان‌طور که پیش از این اشاره رفت، به استشهاد بسیاری از متخصصین تاریخ علم، اولین کتاب که در میان مسلمین در این زمینه نوشته شده، به قلم محمد بن یعقوب ابن‌اخی‌حزام به رشتهٔ تحریر در آمده و اشارهٔ «واضع اسب‌نامه، محمد ختلی» به کسی جز او نمی‌تواند باشد. به نظر می‌رسد در منابع فارسی به جای ابن‌اخی‌حزام او را بیشتر به ختلی می‌شناختند و از این رو در این منابع با عنوان ختلی وی را معرفی کرده‌اند. بنابراین جبلی یا ختبی خواندن وی گویا از سهو ناسخین نسخ خطی پدید آمده و موجب انحراف گردیده است.

#### معرفی ناحیه ختل یا ختلان:

ختلان نام شهرهای مجتمعی است در ماوراءالنهر به نزدیک سمرقند. بعضی از جغرافیایان نویسان عرب آن را به ضمّ «حاء» و تشدید «تاء» آورده‌اند ولی صواب، نظر اول است؛ چه ختَل بنا بر قول سمعانی نام قریه‌ای است به نواحی دسکره بر سر مسیر بغداد-خراسان. سمعانی نصر بن محمد ختلی فقیه حنفی را منسوب بدینجا می‌آورد. این ناحیه ولایتی به ماوراءالنهر نزدیک بدخشان است و می‌گویند میان آن و چغانیان سی فرسنگ راه است و از آنجا اسب‌های بانژاد خیزد. از آنچه در فوق گذشت بر می‌آید که ختلان و ختَل یک ناحیت‌اند و در ادبیات فارسی و متون تاریخی به دو نام ذکر شده‌اند. از تاریخ پیش از اسلام در این ناحیه امرایی می‌زیسته‌اند که به آنان «شیر ختلان» می‌گفتند که این عنوان در دورهٔ اسلامی منسوخ گردید. در زمان حملهٔ سپاه اسلام پادشاه ختلان به فرغانه و از

4. <http://www.e-corpus.org/notices/14267/gallery>

۵. محمد بن محمد از فضالی سدهٔ هشتم هجری است که فرسنامه‌ای منسوب به او وجود دارد که نسخه‌های متعددی از آن در دسترس است. او فرسنامهٔ خویش را به شخصی به نام سیف‌الدین ملک نصرت بن مظفرالدین باکالتجار که گویا از بازرگانان دیلمیان است تقدیم نموده است.

آنجا به چین گریخت. پس از آن نیز به طور جسته و گریخته از آنان ذکری در تاریخ رفته است (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۷: ۹۵۲۶). در منابع چینی و عربی شهرت ختلان یا ختل به واسطه پرورش اسبان خوب با نژاد اصیل است (Ritter, 1934, v. 4: 45-47). همین اشاره را می‌توان در منابع فارسی ملاحظه کرد. برهان قاطع در معرفی ناحیه ختل آورده است: «نام ولایتی است از بدخشان که اسب خوب از آنجا آورند و اسب ختلی منسوب به آن ولایت است.» (خلف تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۱۹-۴۲۰). بنابراین منسوب بودن اسب‌شناسان به این ناحیه نیز دور از عقل نیست؛ چنان‌که در کتاب *آداب الخرب* و *الشجاعه* نوشته محمد بن منصور بن سعید ملقب به مبارکشاه و مشهور به فخر مدبر از نویسندگان اواخر سده ۶ و اوایل سده ۷ ق به مرد ختلانی اسب‌شناسی اشاره شده که در زمان سامانیان می‌زیسته است و داستان او با امیر بخارا که دلالت بر اسب‌شناسی این مرد ختلی دارد خود شنیدنی است (مبارکشاه، ۱۳۶۴، ۲۲۰-۲۱۹).

#### نتیجه:

آنچه از مطالب فوق بر می‌آید این‌که محمد بن یعقوب بن اخی‌حزام الختلی مردی است اصالتاً ختلی که احتمالاً خانواده وی از این سرزمین به بغداد مرکز خلافت اسلامی کوچیده و به عنوان امیر آخور در خدمت خلفای عباسی در آمده‌اند. این‌که خود او در بغداد به دنیا آمده یا در ختلان جای سؤال است.

#### منابع:

- ابی‌بکر بن البدر البیطار، ۱۹۹۳، کامل الصناعيتين في البيطره و الزرطقه المعروف بالناصرى، حقه و درسه عبدالرحمن ابريق، حلب.

- تاجبخش، حسن، ۱۳۷۹، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد دوم (دوران اسلامی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
- تبریزی، محمدحسین بن خلف، ۱۳۴۴، برهان قاطع، به اهتمام محمد عباسی، تهران: موسسه مطبوعاتی فریدون علمی.  
- ریشار، فرانسیس، ۱۳۷۹، «فرسنامه‌ای فارسی مورخ ۵۵۵ هجری قمری»، ترجمه هوشنگ اعلم، نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۷۱-۷۴.  
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۹، لغتنامه، تهران: سازمان لغتنامه دهخدا.  
- سزگین، فؤاد، ۱۳۸۶، تاریخ نگارش‌های عربی، جلد سوم (پزشکی، داروسازی، جانورشناسی و دامپزشکی)، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.  
- مبارکشاه، محمد بن منصور بن سعید، ۱۳۴۶، *آداب الخرب و الشجاعه*، تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال.  
- مهدوی، عبدالحسین، ۱۳۸۷، گنجینه بهارستان، علوم و فنون - ۳، فرسنامه - ۱، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- Erk, N. 1962. Dokuzuncu Yüzyıla ait "Kitab Al-Hayl Val-Baytara" Üzerinde Bir İnceleme. Yeni Densen Matbaası, Ankara.

- Ritter, H. 1934. Ata Binmek Ok Atmak, Türkiyat mecmuası, cilt 4, 45-47.

- Sarton, G. 1950. *Introduction to the History of Science*. Baltimore: The Williams and WilkiD Comp, Vol. 1. 544.

■

۶. این کتاب در اصل در خصوص نظامی‌گری است اما فصلی از آن به اسب اختصاص دارد.

